

کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار

سید علیرضا میر کمالی* - انسیه حسینی**

(تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۳۰)

چکیده

احکام سالب آزادی نوجوانان، در قالب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نمود می‌یابد. همچنان که از عنوان این موسسه پیداست، نگهداری نوجوانان معارض با قانون باهدف اصلاح و درمان آن‌ها صورت می‌گیرد. از این رو، کاملاً همسو با اهداف اولیه و اصلی نظام عدالت کیفری اطفال است. توجه به این نکته لازم است که دادرسی اطفال تنها باهدف تربیت و تأمین مصلحت اطفال و نوجوانان سامان‌دهی شده و بنیان این نظام بر پایه پیشگیری رشدمدار استوار است.

رویکرد پیشگیری رشدمدار نیز با تمرکز بر تربیت و مداخله در شخصیت کودکان و نوجوانان به دنبال پیشگیری از بزهکاری و مزمن شدن آن است. برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی موجود در کانون اصلاح و تربیت تماماً القاکننده مفهوم نظم، مسئولیت‌پذیری و آموزش زندگی سالم است که در جهت رفع عوامل خطر بزهکاری مددجویان تنظیم شده‌اند. به عبارت دیگر، محوریت تمام تدابیر نامبرده را اصلاح و تربیت نوجوانان تشکیل می‌دهد. تأکید اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه نیز، بر تأمین امکانات رفاهی، آموزشی و تربیتی نوجوانان محروم از آزادی بر این امر صحه می‌گذارد. از این رو تدابیر و برنامه‌های اجرایی کانون اصلاح و تربیت کاملاً همسو با اهداف پیشگیری رشدمدار بوده و تأمین‌کننده اهداف رشدمدار نظام عدالت کیفری اطفال در مجموع و به‌طور خاص موسسه موردبحث است.

واژگان کلیدی: کانون اصلاح و تربیت، پیشگیری رشدمدار، عوامل خطر، برنامه‌های حمایتی.

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از شناخته شده ترین واکنش های تنبیهی در عرصه دادرسی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تدابیر سالب آزادی است که در قالب اعزام به مؤسسات نگهداری اطفال، نمود می یابد. مؤسسات نامبرده در نظام حقوقی ایران، با عنوان کانون اصلاح و تربیت شناخته می شوند. کانون اصلاح و تربیت مرکز نگهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانانی است که به علت ارتکاب بزه محکوم شده اند.^۱

پیشگیری رشدمدار یکی از زیرشاخه های پیشگیری اجتماعی است که متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن، «مداخله در دوره های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از مزمن شدن و تکراری شدن بزهکاری آن ها در آینده (دوران بزرگ سالی) است» (کاریو ۱۳۸۱: ۲۶۷). بنابراین پیشگیری رشدمدار با بهره گیری از اقدامات ترمیمی و اصلاح گر درصدد از بین بردن تداوم بزهکاری در کودکان و نوجوانان است و در این میان بر مداخله در فرآیند شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر تأکید دارد (نیازپور ۱۳۹۱: ۱۹۸) تا از این گذر، افرادی قانون مدار تربیت کند. از این رو محوریت مباحث رشدمدار، حمایت همه جانبه از کودکان و نوجوانان دارای معضل، باهدف از بین بردن عوامل خطر پیرامون آن ها و در نهایت تربیت و آموزش ایشان است.^۲ موضوع اصلی این مقاله نیز تبیین چگونگی عملکرد کانون اصلاح و تربیت، در بستر پیشگیری رشدمدار است. نباید از این واقعیت چشم پوشید که کودکان و نوجوانان بزهکار، مصداق بارز اطفال در معرض خطر هستند و پایداری در بزهکاری، خطری است که به شدت آن ها را تهدید می کند؛ بنابراین اجرای برنامه های رشدمدار در مورد ایشان - و به طور خاص از طریق کانون اصلاح و تربیت - امری بس ضروری تلقی می شود.

هرچند همواره نگاه جرم شناسان به مجازات های سالب آزادی کودکان و نوجوانان، نگاه مثبتی نبوده و بر استفاده حداقلی از آن تأکید دارند، اما نمی توان از آثار بازپرورانه آن چشم پوشید. قطعاً آنچه در این نوشتار نیز بدان توجه می شود، رویکرد حداقلی در کاربرد چنین

۱. تبصره ۲ آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان نیز بیان می دارد: «معرفی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان ممنوع بوده و چنانچه به دستور مراجع قضایی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان اعزام شوند، رؤسای زندان ها مکلف اند بلافاصله آنان را به کانون اصلاح و تربیت اعزام نمایند».

۲. به بیانی دیگر، «آنگاه که تدابیر پیشگیرانه در مراحل مختلف رشد کودک و نوجوان ناسازگار، منحرف یا مجرم اعمال می گردند، سخن از پیشگیری رشدمدار به میان می آید». به نقل از: نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۰: ۵۷۰.

تدابیری است که این رویکرد حداقلی خود متأثر از آموزه‌های رشدمدار است، اما باید توجه داشت، زمانی که در یک بستر و نظام دادرسی تخصصی و ویژه، قاضی به این نتیجه می‌رسد، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مصلحت کودک و نوجوان است، چنین پاسخی در راستای بازپروری و جامعه‌پذیر نمودن اوست. به‌ویژه زمانی که محیط خانواده در بزهکاری کودک نقشی اساسی ایفا می‌کند و در واقع کودک، قربانی تربیت ناصحیح والدین خویش بوده، سپردن طفل به خانواده منطقی نیست. در چنین شرایطی، می‌توان کانون اصلاح و تربیت را به مثابه یک شخص حقوقی دانست که جایگزین خانواده اصلی می‌شود و وظیفه تربیت طفل را بر عهده می‌گیرد تا از بزه‌دیدگی مجدد او در بستر خانواده جلوگیری کند؛ بنابراین نکته اصلی در این میان، توجه به منافع عالی و مصلحت کودک است که به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در تمامی مراحل پاسخگویی بایستی به آن توجه داشت.

افزون بر این، تدابیر سالب آزادی کودکان و نوجوانان را نباید با مجازات‌های سالب آزادی مجرمین بزرگ‌سال، همسان دانست. با این توضیح که هرچند به موجب ماده ۳ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، حبس مجرمین باهدف بازپروری آنان صورت می‌گیرد، لکن بدیهی است در هر صورت، هدف اولیه، سلب آزادی آن‌ها است که با رویکرد اصلاحی-درمانی سامان می‌یابد. در حالی که این موضوع در رابطه با کودکان و نوجوانان صادق نیست. بدین معنا که هدف اولیه در تدابیر سالب آزادی، تعلیم و تربیت نوجوانان و آموزش نحوه صحیح زندگی به آنان است که لازمه چنین امری نیز این است که کودک یا نوجوان، مدت‌زمانی در دسترس نظام عدالت کیفری باشد. به همین علت او را در یک موسسه نگهداری که در ایران با نام کانون اصلاح و تربیت شناخته شده تحت نظر قرار می‌دهند تا در این مدت تنها از مسیر مشخص شده، تحت تدابیر آموزشی و حمایتی قرار گیرد و از عوامل خطر پیرامون خود فاصله بگیرد. با این توضیحات، نمی‌توان چنین احکامی را یک مجازات سالب آزادی در معنای اخص دانست و با رویکردی منفی، به کلی آن را زیر سؤال برد. در مقابل می‌توان نهاد مزبور را «مدرسه بزهکاران» (نیازپور ۱۳۸۵: ۱۵۲) نام‌گذاری کرد که در جهت باز اجتماعی نمودن کودکان بزهکار اقدام می‌نماید. همچنان که سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز، از کاربرد عنوان زندان بر این مؤسسات خودداری کرده و با برگزیدن عنوان «کانون اصلاح و تربیت» اهداف رشدمدار نظام عدالت کیفری اطفال را نمایان ساخته‌اند.

با توجه به فلسفه تأسیس مؤسسات مورد بحث و محتوای اسناد بین‌المللی^۱ این‌طور استنباط

۱. در این زمینه می‌توان به مواد ۱-۲۶ و ۲-۲۶ قواعد پکن و همچنین مواد ۳۱ تا ۵۵ قواعد سازمان ملل برای حمایت از

می‌شود که هدف اولیه در محروم نمودن کودکان از آزادی و نگهداری آن‌ها در مؤسسات خاص کودکان، تأکید بر بازپروری کودک است نه مجازات وی. چنین هدفی نیز با اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و اقدامات حمایتی در مؤسسات مذکور به دست می‌آید. نباید از نظر دور داشت که یکی از راه‌های مؤثر در تکمیل برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت جهت اجرای تدابیر پیشگیرانه رشدمدار، تغییر نگرش این مرکز از رویکرد توان‌گیرانه به بازپرورانه است؛ بنابراین «شرایط حاکم بر این نهاد، باید کمترین شباهت به محیط زندان را داشته باشد؛ چراکه تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان در فضای محدود در قالب اسارت تحقق نخواهد یافت» (Fox 2010: 357). بر این اساس «طراحی بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان و محیط مادی نیز، باید باهدف رعایت نیاز نوجوان به حریم خصوصی و شخصی، انگیزش‌های حسی، فرصت برای ارتباط با همسالان و مشارکت در عملیات ورزشی، تمرینات بدنی و فعالیت‌های اوقات فراغت همساز باشد» (عباچی ۱۳۸۸: ۱۵۸). بدیهی است تمامی این موارد گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر پاسخ‌های سالم آزادی نظام عدالت کیفری اطفال است. به بیان دیگر، هدف اصلی و اولیه نظام دادرسی اطفال که همانا تربیت و آموزش اطفال بزهکار است، از گذر این پاسخ میسر می‌شود.

با این توضیحات و به‌منظور تبیین آثار تربیتی کانون اصلاح و تربیت، تدابیر این نهاد از منظر پیشگیری رشدمدار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است طیف گسترده و متنوعی از برنامه‌های حمایتی جهت بهره‌مندی مددجویان کانون اصلاح و تربیت اعمال می‌شود؛ از این رو با لحاظ ماهیت متفاوت تدابیر مورد بحث، برنامه‌های اجرایی ذیل سه بخش مجزا تحت عناوین برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و مددکاری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱- برنامه‌های آموزشی

برنامه‌های آموزشی کانون اصلاح و تربیت، در دو حوزه تحصیلات علمی و حرفه‌آموزی دنبال می‌شوند؛ برنامه‌های مذکور با توانمندسازی علمی و عملی مددجویان، فرصت‌های مشروع دستیابی به اهداف را در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. چنین رویه‌ای از منظر نظریه فشار، در پیشگیری از جرایم مؤثر است. «تصور غالب در این نظریه، آن است که علت جرم را می‌توان

نوجوانان محروم از آزادی اشاره کرد. در این مواد موضوع توجه به نیازهای جسمانی، روحی، روانی و عاطفی و همچنین برخورداری کودکان و نوجوانان از تمامی مراقبت‌ها و حمایت‌های اجتماعی و آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است.

در ناکافی یا نامناسب بودن ابزارها یا فرصت‌های دستیابی به برخی هدف‌ها، نهفته دید. ابزارها یا فرصت‌هایی که ناکافی یا نامناسب بودن آن‌ها در مقایسه با دیگر ابزارها و فرصت‌هایی آشکار می‌شود که در دسترس افراد دیگر جامعه قرار دارد. یکی از راهبردهایی که این نظریه، آن را در مسیر کاهش جرم مورد توجه قرار داده، دوباره جامعه‌پذیر نمودن بزهکار در خصوص هدف‌ها، وسایل و شیوه‌های مرسوم اجتماعی است» (سلیمی ۱۳۸۶: ۱۴۴).

از نقطه نظر پیش‌گیری از جرم، نظریه‌های فشار از اقداماتی پشتیبانی می‌کند که هدف آن، گسترش فرصت‌های تحصیل، استخدام و دیگر فرصت‌های اجتماعی است؛ بنابراین، توجه به این موضوع در عرصه تدابیر رشدمدار لازم است که به دنبال جلوگیری از تکرار جرم کودکان و نوجوانان بزهکار است.

ماده ۱۳۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به موضوع آموزش محکومان اشاره داشته و بیان می‌دارد: «به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و هم‌چنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعداد‌های نهفته آن‌ها آموزش می‌بیند».

۱-۱- برنامه‌های آموزشی - پرورشی

امکان تحصیل به معنای برخورداری کودک و نوجوان، از حق دسترسی به فرصت لازم برای رشد و شکوفایی استعدادها و آماده شدن وی برای کسب جایگاه شایسته و ایفای مطلوب نقش اجتماعی اوست. به همین دلیل خارج شدن کودک از فرایند تحصیل، قبل از پایان دوره تحصیلی معمول (پایان دبیرستان) را می‌توان از آسیب‌زاترین وقایع رشد کودکان و نوجوانان، دانست. از این رو توجه به این موضوع مهم بایستی در صدر برنامه‌ریزی‌های کانون اصلاح و تربیت قرار گیرد و امکانات لازم، جهت ادامه تحصیل مددجویان در دوران حضور در کانون، مهیا شود؛ زیرا اگر قرار بر این است که آثار رشدمدار بر اقدامات کانون هموار شود، در نتیجه خود، نباید ایجاد عامل خطر جدید کرده و با محروم نمودن آن‌ها از تحصیل، در تشدید حالت خطرناک مددجویان اهتمام ورزد.

در این رابطه مددجویان، به دودسته تقسیم می‌شوند: دسته اول آن‌هایی هستند که قبل از ورود به کانون، بنا بر دلایل شخصی و اجتماعی، ترک تحصیل نموده‌اند. در مواجهه با این دسته، تلاش اولیه باید به تفهیم ضرورت و اهمیت تحصیل معطوف شود^۱. با توجه به اینکه

۱. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که خواری تحصیل علم را تحمل نکند، تا ابد در خواری نادانی می‌ماند.

وضعیت خانوادگی بسیاری از مددجویان به نحوی است که تحصیل نقش مهمی در موقعیت خانواده آن‌ها نداشته و بسیاری از آنان انتظارات شغلی سطح پایینی از خود دارند، لذا لازمه ایجاد انگیزه ادامه تحصیل برای این دسته مددجویان آن است که انتظارات شغلی برجسته به آن‌ها تفهیم شده و این‌طور القا شود که کسب منزلت شایسته در اجتماع و مسیر مشروع پیشرفت، از طریق تلاش خود فرد و نیل به مدارج عالی علمی میسر است. افزون بر این، ایجاد امکانات تحصیلی برای آن دسته که به علت فقر مالی، مجبور به ترک تحصیل شده‌اند، حُسن نیت نظام دادرسی را اثبات می‌کند.

دسته دوم مددجویان، آن‌هایی هستند که مشغول تحصیل می‌باشند. توجه به ادامه تحصیل این دسته بسیار ضروری‌تر از دسته قبل است؛ زیرا در صورت عدم توجه به مسئله تحصیل آن‌ها، نظام دادرسی که هدف اصلی خود را بر اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان، متمرکز نموده است، نتیجه‌ای معکوس می‌گیرد؛ زیرا در این حالت، خود باعث ایجاد شکاف اصلی میان مددجو و دانش‌اندوزی و تحصیل به‌عنوان یک عامل خطر اساسی در بزهکاری آنان، شده است. چنین مددجویی به نسبت مدت حضور خود در کانون، از تحصیل بازمی‌ماند و چه بسا به علت همین عقب‌ماندگی و بازخورد منفی ناشی از حضور خود در کانون، تحصیل را به کلی کنار بگذارد. در چنین صورتی تمام تبعات سوء ناشی از ترک تحصیل، بر وی بار می‌گردد. به عبارت دیگر، «محروم شدن کودک و نوجوان از فرصت پرورش و شکوفایی استعدادهای درونی و طی کردن مسیر طبیعی نیل به جایگاه مطلوب اجتماعی، مهم‌ترین آسیبی است که در اثر ترک تحصیل به کودک وارد می‌شود. کودکی که ترک تحصیل می‌کند، ساعاتی که صرف حضور در مدرسه و مشارکت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی می‌نماید، به ساعات فراغت او تبدیل می‌شود که در مثبت‌ترین صورت کودک را به‌طور زودرس درگیر کار می‌کند و در وضعیت نامطلوب، این اوقات تبدیل به اوقات بطالت کودک می‌شود و وی را در معرض انواع انحرافات قرار می‌دهد» (مهدوی ۱۳۹۰: ۳۲۴).

با این توضیحات اهمیت نقش تحصیل، در برنامه‌های اجرایی کانون مشخص می‌شود. باید توجه داشت ایجاد امکانات تحصیلی، مددجویان را انگیزه‌مند کرده و آنان را به آینده امیدوار می‌کند. تلاش در این جهت به آنان ثابت می‌کند که با سایر دانش‌آموزان تفاوتی ندارند و لذا از ایجاد برجسب منفی توسط خود مددجویان نیز، جلوگیری می‌کند. درنهایت نیز، ساماندهی شخصیت مددجویان و قرار دادن آن‌ها در مسیر صحیح زندگی، از گذر تحصیلات علمی میسر می‌شود. بدین نحو رویکرد اصلاحی-درمانی و تربیتی نظام عدالت کیفری بیش‌ازپیش نمایان

می‌شود.

در این راستا کانون اصلاح و تربیت تهران، اقدام به تأسیس یک مدرسه در محیط کانون نموده^۱ که از مقطع پنجم ابتدایی تا چهارم دبیرستان را دارد. طبق هماهنگی صورت گرفته با آموزش و پرورش نیز، ۳۵ دبیر مشغول به تدریس در این مدرسه می‌باشند. باهدف جلوگیری از برچسب‌زنی نیز، در مدرک تحصیلی مددجویان چیزی قید نمی‌شود. بدین ترتیب اگر مددجویی در امتحانات نهایی شرکت کند و موفق به اخذ نمره قبولی شود، کارنامه قبولی از طریق آموزش و پرورش صادر می‌شود و به‌هیچ‌عنوان در آن به اخذ مدرک از مدرسه کانون اصلاح و تربیت اشاره نمی‌شود.^۲ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز علاوه بر تأکید بر فراهم نمودن امکان تحصیل نوجوانان، صراحتاً در ماده ۴۰ به این موضوع اشاره دارد.

۲-۱- برنامه‌های آموزشی - حرفه‌ای

مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پس از تشکیل پرونده شخصیت و ورود به قسمت نگهداری، مشمول برنامه‌های کانون می‌شوند. بخش مهمی از برنامه‌های اجرایی متوجه حرفه‌آموزی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای است. آن‌ها بر مبنای خواست و سلیقه و همچنین با توجه به سطح دانش خود، در یکی از کارگاه‌های حرفه‌آموزی، مشغول می‌شوند.^۳ کانون اصلاح و تربیت تهران، در قالب برگزاری ۱۳ رشته فنی و حرفه‌ای، اقدام به حرفه‌آموزی مددجویان می‌نماید. با توجه به محدودیت امکانات و تعداد پایین مددجویان کانون‌های شهرستان (مانند اراک)، تعداد و تنوع برنامه‌های آموزشی در آنجا کمتر است. طبق هماهنگی با سازمان فنی و حرفه‌ای نیز، در پایان دوره‌های آموزشی به مددجویان گواهی شرکت در دوره، بدون اشاره به محکوم بودن آنان اعطا می‌شود تا به این واسطه زمینه‌های الصاق برچسب مجرمانه از میان برود.

۱. نکته جالب نام این مدرسه است که «حر» است.

۲. هرگاه مددجویی در فصل امتحانات به کانون فرستاده شود حق شرکت در امتحانات نهایی را خواهد داشت و اگر مددجویی قبل از اتمام سال تحصیلی از کانون آزاد شود، می‌تواند با هماهنگی لازم تا پایان سال تحصیلی به تحصیل در مدرسه کانون ادامه دهد.

۳. در هر صورت حضور در فعالیت‌های حرفه‌آموزی اجباری است، ولی مددجویان خود انتخاب می‌کنند در چه کلاسی شرکت کنند. «بایستی دقت داشت که برای انجام فعالیت‌های عملی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای، اگر عامل علاقه در میان نباشد بعد از آزادی نه تنها دنبال نمی‌شود، بلکه عملاً هزینه‌ای بیهوده بر دوش مراکز اصلاحی و تربیتی خواهد بود» (دانش پایه ۱۳۹۳: ۱۲۴).

حرفه‌آموزی مددجویان، در وهله اول به جهت آشکارسازی جنبه آموزشی کانون و همچنین جهت جلوگیری از اتلاف وقت مددجویان، بکار گرفته می‌شود. این امر، از منظر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز توجیه دارد؛ زیرا طبق این نظریه، درگیر شدن در فعالیت‌هایی که وقت آزاد کمی برای فرد باقی می‌گذارد، فرصت فعالیت‌های مجرمانه را محدود می‌کند. «دست‌های بیکار کارگاه شیطان است». افزون بر این آموزش یک حرفه شرافتمندانه تا اندازه زیادی در جلوگیری از تکرار جرم مؤثر است؛ زیرا همین حرفه‌ای که در دوران مجازات آموخته می‌تواند محل درآمدی باشد تا در آینده زندگی خود را از طریق آن بگذرانند.^۱

مسئله دیگر توجه به اشتغال مددجویان است. بدیهی است در این صورت حس مفید بودن، عزت نفس و استقلال در مددجویان تقویت شده و از گذر درآمدهای ناشی از آن، علاوه بر اینکه روش کسب درآمد مشروع به آن‌ها آموخته می‌شود، مشکلات مالی این دسته نیز تا حدودی برطرف می‌شود، از آنجا که فقر اقتصادی یکی از عوامل خطر جدی در بزهکاری است، حرکت در مسیر پیشگیری رشدمدار، توجه به آن را نیز اقتضا می‌کند. در این راستا، مدیریت کانون با هماهنگی‌های انجام شده با کارگاه‌ها و کارخانه‌ها تولیدی و صنعتی، زمینه اشتغال مددجویان را در محیط‌های مذکور فراهم می‌کنند که در این صورت، دوران محکومیت مددجویان، در قالب رأی باز یا نیمه‌باز گذرانده می‌شود. در رابطه با مددجویانی هم که امکان تغییر رأی آن‌ها وجود ندارد و در کانون به سر می‌برند، با در نظر گرفتن تمهیداتی امکان اشتغال آنان در کانون را فراهم آورده‌اند.

۲- برنامه‌های فرهنگی

هدف اصلی در ترتیب برنامه‌های موردبحث، آموزش فرهنگ زندگی صحیح، با توجه به تمامی نیازهای روحی و روانی مددجویان در کانون اصلاح و تربیت است. به عبارت دیگر، هدف درونی‌سازی ارزش‌های موردقبول جامعه و خنثی نمودن ضدهنجارهایی است که در بستر خانواده و در فرایند جامعه‌پذیری آنان، نهادینه گشته و در قالب یک هنجار، تعریف شده است؛ بنابراین در یک بستر آموزشی سالم، باید هنجارها جایگزین ضدهنجارها شوند.^۲ از این رو

۱. شورای مشورتی انگلستان در زمینه اشتغال زندانیان در گزارش خود تحت عنوان «کار و آموزش حرفه‌ای در borstal»، بر اهمیت کار و آموزش حرفه‌ای در این مراکز تأکید نمود. همچنین عنوان نمود: شکی وجود ندارد که انجام کار مداوم در قالب یک شغل تولیدی و مفید که بر مبنای اصول صنعتی مدرن سامان‌دهی شده است، در تربیت نوجوانان مراکز نامبرده و تبدیل نمودن آنان به یک شهروند خوب، بسیار مفید است؛ بنابراین اصلاح شخصیت آنان از طریق فرصت‌های آموزشی گسترده و آموزش اصول تجاری، قابل حصول است (Warder and Wilson 2001: 120).

۲. کمیته‌ای تحت عنوان کمیته فرهنگی و هنری در کانون اصلاح و تربیت ایجاد شده است که مددجویان را در زمینه نقاشی،

برنامه‌های فرهنگی که در جهت «فرهنگ‌سازی» شکل گرفته‌اند با یک دید همه‌جانبه، سعی در بهبود سامانه رفتاری مددجویان داشته و قاعدتاً از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار می‌باشند. برنامه‌های فرهنگی را می‌توان در چند حوزه، تقسیم‌بندی نمود.

۱-۲- برنامه‌های تربیتی

پیشگیری رشدمدار تربیت‌مدار است؛ یعنی «درصدد شخصیت‌سازی افراد است. به دیگر سخن، این پیشگیری با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات آموزشی- پرورشی بر سالم‌سازی فرایند رشد افراد تأکید دارد. از این روست که این پیشگیری تلاش می‌کند در روند شکل‌گیری شخصیت مجرمانه اختلال ایجاد کند و فرد را به سوی جامعه‌پذیری هدایت کند» (نیازپور ۱۳۸۳: ۱۰۳)؛ بنابراین توجه به برنامه‌های تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا برنامه‌های اجرایی کانون را در جهت اهداف پیشگیری رشدمدار قرار دهد. «زندانی در داخل زندان فرصت زیادی برای استفاده از فکر و قوه تخیل خود دارد، اگر این نیرو در جهت مثبت و در راه اصلاح او به کار گرفته نشود، قطعاً از این نیرو در جهت خلاف و ارتکاب بزه استفاده خواهد کرد» (مجیدی بیدگلی ۱۳۸۷: ۲۷)؛ بنابراین تمامی برنامه‌های فرهنگی و تربیتی کانون، باید در جهت تغییر سامانه رفتاری و اخلاقی آن‌ها، با استفاده از برنامه‌ریزی منظم برای زندگی روزمره مددجویان باشد.

برای پرورش افکار کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، مدیر کانون می‌تواند از اشخاص صلاحیت‌دار از قبیل اساتید دانشگاه‌ها، اعضای انجمن‌های خیریه، کارفرمایان، قضات و کلاً دادگستری و روحانیون و غیره جهت سخنرانی در زندان دعوت کند. سخنرانان باید به طرز تفکر و روحیه مددجویان آشنا بوده و از تحریک و ایجاد تأثیر روانی خودداری نمایند. در مجموع کانون اصلاح و تربیت باید از تمام روش‌های روزآمد در سطح دنیا و آورده‌های مختلف علوم روان‌شناسی و جرم‌شناسی بهره‌جوید تا نقشی فعال در باز اجتماعی نمودن نوجوانان معارض با قانون ایفا کند. استفاده از مربیان تربیتی با کیفیتی که در آئین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت ذکر شده‌است، نیز در همین راستا است.

۲-۱-۱- تقویت حس مسئولیت‌پذیری

یکی از برنامه‌های مهم و اصلی مربیان کانون، باید مبتنی بر تقویت حس مسئولیت‌پذیری در

خطاطی، نشریه، اردوهای زیارتی و ... مورد آموزش قرار می‌دهد. همچنین این کمیته سعی دارد با انتقال ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه به مددجو و تغییر ذهنیت او نسبت به فرهنگ جامعه، آن‌ها را مجدداً جامعه‌پذیر نماید.

مددجویان باشد؛ زیرا در پرتو تقویت چنین حسی، نسبت به اعمال خود دقت خواهند داشت. آن‌ها باید بیاموزند که با تبعات عمل خود مواجه شوند و واقعیات ناشی از آن را بپذیرند. فرار از واقعیت، شایسته یک شهروند هنجارمند نیست. ضمن اینکه باید به آن‌ها فهمانده شود آن‌ها مجاز به انجام هر کاری نیستند و مسئولیت اولیه اعمالشان به عهده خودشان است و همیشه نباید به دنبال پیدا کردن مقصر، در میان سایرین بود. افزون بر این باید بیاموزند، در محیطی که زندگی می‌کنند نسبت به خود، اطرافیان و جامعه مسئول بوده و وظایفی بر عهده ایشان است.^۱

از این رو، انجام برخی کارهای کانون به مددجویان سپرده می‌شود تا آن‌ها را نسبت به محیط زندگی‌شان، حساس کند. به عنوان مثال، مرتب نمودن و نظافت هر خوابگاه، با اعضای خویش است. همچنین تزیین و چیدمان خوابگاه‌ها نیز با سلیقه مددجویان آن صورت می‌گیرد. همچنین تشکیل شورای شهر و انتخاب شهردار در کانون نیز، در همین حوزه قابل بررسی است. ناگفته پیداست، این گونه درگیر نمودن مددجویان در ایجاد حس تعلق خاطر به محیط کانون بسیار مؤثر است. افزون بر این، از گذر این تدابیر، بی تفاوتی مددجویان نسبت به کانون اصلاح و تربیت از بین می‌رود و می‌آموزند که هر فرد هنجارگرا، در محیطی که به سر می‌برد، به فراخور حقوقی که دارد، تکالیفی نیز بر او بار می‌شود و دیگران همواره مسئول انجام کارهای آن‌ها نمی‌باشند.

همچنان ایجاد اشتغال در کانون برای مددجویان در راستای نیل به چنین هدفی است؛ با این توضیح که یاد می‌گیرند از ماحصل دسترنج خویش، استفاده کنند و دیگران را موظف به تحقق خواسته‌های خود ندانند. مادامی که تلاشی صورت نگیرد، مابه‌ازایی هم وجود نخواهد داشت؛ لذا مفهوم تلاش در زندگی از این طریق، منتقل می‌شود. این همان مفهومی است که بسیاری از مددجویان کانون با آن بیگانه می‌باشند؛ زیرا همواره به دنبال آسان‌ترین راه برای رسیدن به آرزوهای خود می‌باشند؛ درحالی که غایت تدابیر کانون اصلاح و تربیت، این است که آنان را با طرق مشروع نیل به اهداف، آشنا گردانند. آن‌ها بایستی بیاموزند، همواره کوتاه‌ترین راه، مناسب‌ترین نیست، بلکه بهترین راه، مسیر مشروع، قانونی و از پیش تعریف شده آن است. مهم‌تر آن که از هر طریق به هدف رسیدن، صحیح نیست. هر انسانی باید برای تحقق آرزوهای خویش تلاش نماید^۲ و تاوان کوتاهی او را نباید سایرین پردازند. این مفاهیم همان است که در

۱. مدیر کانون اصلاح و تربیت تهران: «سعی کردیم انجام بعضی امور را به خود بچه‌ها واگذار کنیم و بین بچه‌ها و خودمان تعاملی ایجاد کنیم تا خود آن‌ها کانون اصلاح و تربیت را اداره کنند. این عمل به آن‌ها نشان داد ما آن‌ها را دوست داریم.» به نقل از: مقاره عابد ۱۳۸۱: ۱۲۳.

۲. امام علی (ع): اشخاص عاقل به سعی و تلاش خود تکیه می‌کنند، ولی مردان نادان به آمال و آرزوهای خویشان متکی هستند. همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «نفس را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بینداز، زیرا اگر چنین نکنی دیگری

پرتو تقویت حس مسئولیت‌پذیری در مددجویان، آنان را آگاه نموده و در آموزش سبک صحیح زندگی، کارساز است.

۲-۱-۲- آموزش نظم

اگر هدف برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت، تبدیل کردن مددجویان به یک شهروند مطیع قانون است، ناگزیر از توجه به این موضوع مهم است. مددجویان باید با مفهوم نظم و تبعیت از آن آشنا شده و چنین ارزشی در آن‌ها نهادینه شود؛ زیرا در پرتو آن، می‌توان اطاعت از قانون در اجتماع را به آن‌ها آموخت. مددجویان باید از رویکرد فردگرایی مطلق خارج شده و بپذیرند، اقتضای یک زندگی جمعی، پیروی از هنجارهای آن جامعه را می‌طلبد و بنابراین، لازمه یک زندگی سالم و موفق در اجتماع، تبعیت از قوانین، هنجارهای موردقبول جامعه و احترام به حقوق سایرین است. لذا با آموزش و تمرین نظم در محیط کانون، آن‌ها را برای زندگی هنجارمند در جامعه آماده می‌نمایند.

بنابراین مفهوم نظم باید نهادینه شود و صرف اجبار به آن کافی نیست^۱. در این راستا برگزاری کلاس‌های آموزشی نظم در محیط و دعوت از اساتید مربوطه، برای مددجویان بسیار مفید خواهد بود؛ زیرا سبب می‌شود مددجویان خود به اهمیت این موضوع پی برده و در نتیجه آثار آن در نحوه برخورد، رفتار و سبک زندگی‌شان در کانون نمود خواهد یافت.

علاوه بر این، یکی از راه‌های آموزش نظم، برنامه‌ریزی برای انجام امور است. به همین علت، در کانون اصلاح و تربیت برای بیست و چهار ساعت شبانه‌روز مددجویان برنامه‌ریزی شده و برای تمامی فعالیت‌های آن‌ها زمان مشخصی در نظر گرفته شده است. زمان خواب، بیدارشدن، کلاس‌های آموزشی و حتی اوقات فراغت آن‌ها مشخص است و در نتیجه، مددجویان با مفهوم برنامه‌ریزی نیز آشنا شده و کارهای خود را طبق این برنامه تنظیم می‌کنند.

توجه به این نکته لازم است که «کودکان و نوجوانان در بدو ورود به محیط بسته کانون اصلاح و تربیت بُهت‌زده، سراسیمه و نگران آینده خود هستند؛ بنابراین، رئیس یا معاون او باید هرروز اول وقت از تازه‌واردان بازدید به عمل آورده و لزوم رعایت مقررات، نظم و حسن

خودش را برای تو به زحمت نمی‌افکند».

۱. «برای برقراری نظم و آرامش در زندان‌ها و عادت دادن زندانیان به رعایت مقررات، متخلفین باید تنبیه و زندانیان فعال و خوش‌رفتار تشویق شوند. زندانی باید با کمال میل و احترام، لزوم رعایت مقررات را درک کند. ایجاد ترس و وحشت موجب برقراری نظم آنی و موقتی است و در فرصت مناسب زندانیان یاغی شده و اعتصاب می‌نمایند». به نقل از: دانش ۲۰۵: ۱۳۵۳.

سلوک با دیگران را به آن‌ها توجیه نموده و مزایای اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی و درمانی را شرح دهد» (دانش ۱۳۸۵: ۲۸۱).

برخورداری از یک نظام تشویق و تنبیه اصولی، در درونی ساختن ارزش مذکور بسیار مؤثر است؛ چراکه در قالب شرطی‌سازی، مددجویان را به تبعیت هنجارها و قوانین کانون سوق می‌دهد. در این زمینه توجه به اصول روان‌شناسی نیز کارساز خواهد بود. روان‌شناسان رفتاری معتقدند شخصیت یک فرد، در طول زندگی و از خلال تعامل با دیگران فراگرفته می‌شود. «رفتارگرایان معتقدند افراد از طریق مشاهده چگونگی واکنش دیگران نسبت به رفتار آنان، رفتارها را یاد می‌گیرند. در ابتدا یک محرک یا تغییر در محیط باعث برانگیخته شدن رفتار می‌شود. اگر یک واکنش مثبت، رفتار را تقویت کند، رفتار ادامه می‌یابد و سرانجام فراگرفته خواهد شد» (معظمی ۱۳۹۲: ۱۶۲). تمام تدابیر تشویقی در کانون، با توجه به این موضوع است تا با تحریک و انگیزه‌مند ساختن آن‌ها به حسن خلق، چنین رفتاری را در آن‌ها نهادینه کنند. هرچند باید توجه داشت که نظام تنبیهی نباید برخلاف اصول انسانی بوده و حالت سزاگرایانه به خود بگیرد. بلکه باید در جهت آگاه ساختن مددجویان به اشتباه خود به کار گرفته شوند تا از تبعات سوئی مانند تحقیر و لجاجت و پافشاری آن‌ها در تکرار آن، جلوگیری شود. شایان ذکر است فصل سوم آئین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت، به مقررات انضباطی و تشویقی مددجویان اشاره داشته و قواعدی را در این زمینه وضع نموده است. همچنان مواد ۶۶ تا ۷۱ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی به این موضوع اختصاص یافته و تأکید کرده است که کلیه اقدامات انضباطی باید با حفظ حرمت ذاتی نوجوان و القای مفهوم عدالت و عزت‌نفس منطبق باشد.

۲-۱-۳- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی

بدیهی است مطالعه سبب افزایش سطح اطلاعات و جهت‌دهی سامانه رفتاری افراد شده و اقدامی مؤثر در جهت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان است. همچنان که از شکل‌گیری حس پردازش‌دگی و در انزوا بودن نیز جلوگیری می‌کند. از این رو ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، فراهم نمودن امکانات کتابخانه‌ای و قرار دادن کتاب در دسترس مددجویان، باید در دستور کار مدیریت کانون قرار گیرد.

باید پذیرفت، بزهکاران معمولاً از قشری می‌باشند که از درس و مدرسه گریزان هستند و افت تحصیلی، ترک تحصیل و اصولاً علاقه نداشتن به مطالعه سبب شده است که اوقات

بیکاری خویش را با دوستان ناباب سپری کنند و خواسته و ناخواسته وارد دنیای بزهکاری شوند. حال با تشویق مددجویان به کتاب‌خوانی، می‌توان اوقات فراغت آنان را سامان بخشید و به آن‌ها آموخت که از ساعات بیکاری خویش بهترین استفاده را نمایند.

لازم به ذکر است ماده ۴۱ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز بر این امر تأکید داشته و مقرر می‌دارد: «در کلیه مراکز نگهداری باید امکان دسترسی به کتابخانه مجهز به کتب آموزشی و سرگرمی و تفریح، همچنین نشریات مناسب نوجوانان فراهم شود و نوجوانان باید در جهت بهره‌گیری کامل از آن تشویق گردند». ماده ۱۴۴ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز بدین موضوع اشاره کرده و کانون اصلاح و تربیت را موظف نموده که در راستای بازپروری فرهنگی و بازسازی نظام شخصیتی مددجویان، نسبت به راه‌اندازی کتابخانه مبادرت ورزد.^۱

۲-۲- برنامه‌های مذهبی

اثر پایبندی به مذهب در بازدارندگی از ارتکاب جرم، چنان است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. چه‌بسا اولین عامل بازدارنده، همان وجود رابطه حُب و خوف از خداوند است.^۲ به بیانی دیگر، اگر پیشگیری رشدمدار به دنبال مداخله در فرایند شخصیت کودکان و نوجوانان است، تا از این گذر مانع ارتکاب جرایم مجدد توسط آنان شود؛ بدیهی است در این راستا باید توجهی ویژه به تقویت مذهب در مددجویان معطوف شود.

باید توجه داشت، تغییر در باورهای مددجویان تا اندازه قابل توجهی در گرو تغییر رویکرد معنوی و مذهبی آن‌ها است؛ زیرا عامل مذهب، سبب تقویت «پلیس درون»^۳ آن‌ها شده و در نتیجه خود به این نتیجه می‌رسند که نباید هنجارها را نقض کنند؛ چراکه در درجه اول خداوند شاهد و ناظر اعمال آن‌هاست. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از ارتکاب معصیت‌های الهی (حتی) در نهان خودداری کنید، زیرا آن خدایی که شاهد است، خود نیز حاکم است».

۱. تمامی قسمت‌های کانون اصلاح و تربیت تهران، از قبیل قرنطینه، خوابگاه‌ها و حتی در قسمت راهروهای ساختمان آموزشی، مجهز به کتابخانه بوده و انواع کتاب‌ها در قالب سیستم کتابخانه باز، در دسترس مددجویان قرار دارد. همچنین در راستای ارتقای سطح آموزشی مددجویان علاوه بر کتاب‌خوانی، انتشار دو نشریه در بخش پسران و دختران در دستور کار کانون اصلاح و تربیت قرار دارد، دو نشریه «خانه ما» و «ریحانه» در کانون اصلاح و تربیت تهران توسط مددجویان تهران تهیه می‌شود.

۲. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر که دوست دارد نیرومندترین مردم باشد، باید به خدا توکل کند؛ بنابراین بدیهی است توانمندسازی مددجویان از طریق تحکیم پیوند آن‌ها با خداوند متعال است.

3. Inner police

به عبارت دیگر چنین امری برای آن‌ها درونی شده و حتی پس از اتمام دوران محکومیت و بازگشتن به جامعه نیز، خود بر رفتار خویش کنترل و نظارت دارند و از این طریق احترام به قانون را می‌آموزند.^۱

به همین علت است که تراویس هیرشی، در تحلیل نظریه کنترل اجتماعی، عامل اعتقاد به مذهب را یکی از چهارعنصری^۲ می‌داند که سبب پابندی یک شخص به اجتماع شده و در نتیجه از ارتکاب جرم خودداری می‌کند. او معتقد است، «اعتقاد به ارزش‌های دینی و اخلاقی و اعتقاد به احترام به قانون، مانع مشارکت افراد در رفتارهای ضداجتماعی می‌گردد» (معظمی، همان ۱۸۵).

ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی نیز به این موضوع اشاره کرده و معتقد است، ارتکاب جنایت در اغلب موارد، نقض اصول اخلاقی و مذهبی است. همچنین بیان می‌کند: «به حق می‌توان نتیجه گرفت که رابطه کامل و نزدیکی بین تبهکاری، کلیسا و نهاد مذهبی وجود دارد. از یک نقطه نظر، تبهکاری معرف شکست کلیسا در رهبری اخلاقی اعضای جامعه است و به سهولت می‌توان از آن نتیجه گرفت که «فقدان تربیت مذهبی» علت اساسی تبهکاری است» (کی‌نیا ۱۳۷۰: ۲۵۰). بنابراین با رفع این خلأ می‌توان مانع از بزهکاری مجدد آن‌ها شد.

از این رو برنامه‌های مذهبی بخش مهمی از برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت را تشکیل می‌دهد. این برنامه‌ها، شامل اقامه نماز جماعت و برگزاری کلاس‌های آموزشی احکام، نهج‌البلاغه و قرآن است. آشنایی و انس مددجویان با قرآن، گام مهمی به سوی ایجاد آرامش و کنترل خشم در آن‌ها است.^۳ در این راستا توجه به آموزه‌های قرآن در پیشگیری از جرایم نیز حائز اهمیت است.^۴ آنچه مهم است، استفاده از روش‌های جذاب و مناسب سن مددجویان، در اشاعه معنویات و مذهب در کانون است.

شایان ذکر است؛ با توجه به ویژگی‌های نوجوانان که به اقتضای سنی خود، بسیار تأثیرپذیر می‌باشند، برگزاری کلاس‌های آموزشی در کانون اصلاح و تربیت، بازخورد مثبت فراوانی دارد. همچنان که امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «دل جوان از دل پیرمرد، نرم‌تر است». بنابراین، باید از این ویژگی آن‌ها نهایت استفاده را نمود.

۱. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در کانون اصلاح و تربیت تهران مشخص شد نقش مذهب و انجام مراسمات دینی در اصلاح دختران بیش از پسران بوده است (دانش پایه ۱۳۹۳: ۱۲۵).

۲. او در این رابطه به چهارعنصر دل‌بستگی، پابندی، مشارکت و اعتقاد اشاره دارد.

۳. نگاه کنید به: عابدی اردکانی ۱۳۹۰: ۱۳۹.

۴. نگاه کنید به: رشادتی ۱۳۸۷ و خسروشاهی ۱۳۹۰.

۲-۳- برنامه‌های تفریحی - ورزشی

اهمیت اوقات فراغت و در کنار آن استفاده از امکانات تفریحی برای جوانان، در روان‌شناسی و علوم پیشرفته فیزیکی شناخته شده است. بازی، ورزش، کار فرهنگی، نمایش و خدمات اجتماعی از این قبیل می‌باشند. برنامه‌های مربوط به اوقات فراغت و تفریح به منظور مبارزه با امراض اجتماعی، مثل مواد مخدر و تکرار بزهکاری به وجود می‌آید و می‌تواند بر اساس ارتقای نیروی بالقوه فیزیکی، ذهنی و حسی جوانان گسترش یابد.

۲-۳-۱- برنامه‌های تفریحی

نیاز به تفریح، یک نیاز طبیعی برای تمامی افراد و به‌ویژه نوجوانان است که عدم توجه به آن مغایر با اصول انسانی و آموزه‌های تربیتی است. چراکه، تربیت کودکان و نوجوان در گرو توجه به تمامی نیازهای آن‌ها و تلاش در جهت برآورده سازی آن است. افزون بر این، اگر ادعا می‌شود هدف اولیه نگهداری مددجویان در کانون اصلاح و تربیت، نه تنها محدود ساختن آنان نیست، بلکه رشد و بالندگی آن‌هاست، در نتیجه باید تا حد امکان تفریحاتی که سایر همسالان آن‌ها دارا می‌باشند برایشان فراهم شود. همچنان‌که اگر اوقات فراغت آنان با تفریحات سالم و سازمان‌یافته تأمین نشود، آن‌ها قطعاً به سراغ تفریحات ناسالم خواهند رفت.

نکته مهم‌تر آنکه با ایجاد تفریحات سالم، این قشر فعالیت‌ها به آن‌ها معرفی شده و در نتیجه می‌آموزند چگونه می‌توان با توسل به چنین تفریحاتی، اوقات فراغت خود را سپری کرد. در این صورت، پس از اتمام دوران محکومیت و حضور در اجتماع نیز چنین رویه‌ای در پیش می‌گیرند. لازم به ذکر است در بستر آموزه‌های رشدمدار نیز، بخش مهمی از فعالیت‌ها معطوف به اوقات فراغت کودکان و نوجوان و ساماندهی آن با ایجاد یک برنامه‌ریزی صحیح، در این زمینه می‌شود^۱؛ بنابراین توجه به مسئله تفریحات مددجویان کانون نیز، با توجه به این مباحث، قابلیت تفسیر رشدمدارانه را دارد.

برگزاری کلاس‌های سرود، تئاتر، پخش فیلم‌های سینمایی در حال اکران و سایر برنامه‌های هنری برای مددجویان در این دسته قرار می‌گیرند. کانون اصلاح و تربیت تهران با احداث استخر در محیط کانون، اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی شنا نیز نموده است. همچنین تدارک برنامه اردوهای درون‌شهری و برون‌شهری^۲، برای مددجویان از دیگر برنامه‌های

۱. نگاه کنید به: شاملو و مقیمی ۱۳۹۲: ۳۰۵-۳۱۰.

۲. اردوهای درون‌شهری کانون اصلاح و تربیت تهران، دربردارنده ۳ دوره بازدید از برج میلاد، در سال است. اردوهای

تفریحی کانون است. با توجه به اینکه مددجویان با لباس شخصی و بدون هیچ نمادی از مددجو بودن، در اردو حاضر می‌شوند. نکته مهم در برنامه اخیر الذکر، القای حس اعتماد جامعه به مددجویان است و تجربه ثابت کرده که این اعتماد بی‌پاسخ باقی نمی‌ماند. لازم به ذکر است ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک، حق طفل برای تفریح و آرامش، بازی و فعالیت‌های خلاق، مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت شناخته شده است ... همچنین ماده ۴۷ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، به مسئله تفریح نوجوانان اشاره کرده و عنوان نموده که هر نوجوان باید دارای وقت اضافی برای فعالیت‌های اوقات فراغت باشد.

۲-۳-۲- برنامه‌های ورزشی

خواص ویژگی‌های علمی ورزش در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بارز و روشن است. به گونه‌ای که در بهداشت و سلامت جسم، نشاط روحی و آموزش اخلاقی و اجتماعی نقشی مؤثر ایفا می‌کند. به همین جهت است که در کشورهای مختلف، در قوانین موضوعه خود جایگاه ویژه‌ای را برای تربیت بدنی و ورزش زندانیان پیش‌بینی نموده‌اند. همچنین در جهان امروز از ورزش به‌عنوان وسیله درمانی یا توان‌بخشی برای کسانی که به هر دلیل از مسیر عادی خارج شده و دچار نقصان در زمینه‌های جسمی و روحی شده‌اند، به کار می‌رود. در نتیجه، با توجه به اینکه اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی در کانون اصلاح و تربیت، با در نظر داشتن شخصیت هر فرد و با جلب اعتماد شخص مورد نظر انجام می‌گیرد، لذا برنامه‌های تفریحی و آموزنده متضمن بازی و ورزش نیز برای تخلیه انرژی و از بین بردن حالت تعرض که امری طبیعی برای نوجوانان است، اجرا می‌شود. همچنان که فعالیت‌های ورزشی سبب شادابی و نشاط مددجویان می‌شود. به عبارت دیگر، «به منظور برقراری تعادل، ازدیاد قدرت، جلب همکاری و ایجاد حس مسئولیت در نوجوانان بزهکار یا ناسازگار، معمولاً برای برنامه‌های ورزشی اهمیت خاصی قائل می‌شوند» (صلاحی و امامی نمینی ۱۳۸۹: ۱۱۳). از این رو کانون‌های اصلاح و تربیت مجهز به سالن ورزشی و امکانات ورزشی می‌باشند.

تشویق مددجویان به ورزش، از جمله برنامه‌های اجرایی واحد فرهنگی است. علاوه بر ورزش صبحگاهی که هر روز حدود نیم ساعت قبل از شروع کلاس‌های آموزشی برگزار

می‌شود^۱، در سالن ورزش، هر گروه از مددجویان زیر نظر مربیان ورزشی به تمرین در رشته‌های مورد نظر خود می‌پردازند. یکی از موضوعات مهم در عرصه پیشگیری از بزهکاری اطفال، ساماندهی اوقات فراغت آنها است. فراهم نمودن امکانات ورزشی برای مددجویان نیز در راستای این امر بوده تا از اوقات فراغت خویش به بهترین نحو ممکن و از گذر فعالیت‌های سالم ورزشی، استفاده نمایند.

برگزاری مسابقات ورزشی و دعوت از سایر تیم‌های ورزشی خارج کانون، سبب تقویت روحیه رقابت، خودباوری، افزایش سطح اعتماد به نفس در مددجویان و انگیزه‌مند نمودن آنها می‌شود.

همچنین در رابطه با مددجویانی که معتاد می‌باشند، یکی از روش‌های درمانی و بهداشتی انجام فعالیت‌های ورزشی است که این روش با نیازهای طبیعی انسان، سازگاری دارد. بر اساس این رویکرد، فعالیت‌های ورزشی تأثیرات مثبت و کارسازی بر بهداشت روان و سلامت روانی دارد. افزون بر این، تمرینات ورزشی هوایی، تأثیر فراوانی بر کاهش اضطراب مددجویان دارد^۲.

۳- برنامه‌های مددکاری - درمانی

کانون اصلاح و تربیت متشکل از اداره‌های مختلفی است که اداره مشاوره و مددکاری و همچنین بهداشت و درمان از مهم‌ترین آنها می‌باشند. اداره‌های مذکور اقدامات و برنامه‌های خود را از بدو ورود مددجویان به کانون که در قرنطینه به سر می‌برند، آغاز کرده و به‌طور مستمر در طول زمان نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت، ادامه می‌دهند. با توجه به ماهیت فعالیت‌های ادارات مورد بحث، اقدامات متفاوتی از قبیل تشکیل پرونده شخصیت، بررسی وضعیت جسمانی و روانی مددجویان و همچنین درمان آنها در دستور کار ایشان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، کانون اصلاح و تربیت باید تدابیری در جهت حل معضلات روحی-روانی و اجتماعی مددجویان به کار گیرد. همچنین توجه به مشکلات زیستی و بیماری‌های آنان نیز امری مهم تلقی می‌شود و باید در جهت درمان آنها تلاش نمود؛ بدیهی است از آنجا که محوریت اساسی اقدامات مورد اشاره را شناسایی عوامل خطر فردی و محیطی مددجویان و

۱- ماده ۱۵۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، به اجرای برنامه‌های ورزش صبحگاهی در هوای آزاد برای آن دسته از محکومینی که قادر به انجام ورزش می‌باشند، اشاره دارد.

۲. نگاه کنید به: فاضل بخششی ۱۳۸۵: ۴۲.

همچنین ارائه تدابیری جهت خنثی سازی آن‌ها تشکیل می‌دهد، به‌وضوح رویکرد رشدمدار این قسم تدابیر را نشان می‌دهد.

۳-۱- برنامه‌های مشاوره و مددکاری

تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی ایران با توجه به اهمیت نقش مددکاران اجتماعی در فرآیند بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار، در آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی ۱۳۷۹ استفاده از این کارگزاران در کانون اصلاح و تربیت را مورد تأکید قرار داده‌اند. ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت نیز مقرر داشته: «هر کانون باید به تعداد کافی مددکار اجتماعی در اختیار داشته باشد» تا از این گذر نظام عدالت کیفری در مرحله اجرای پاسخ هم از ابزارهای لازم جهت فردی‌سازی بهره‌گیرد. همچنان با توجه به تعریف و تعیین حدود وظایف مددکار در آئین‌نامه مورد بحث^۱، ضمن تبیین جایگاه مهم مددکار در عرصه عدالت کیفری اطفال مشخص می‌شود که مهم‌ترین نهاد اجرایی در بستر پیشگیری رشدمدار، مددکار اجتماعی و مشاور است. چراکه نقش مهمی در شناسایی عوامل خطر و همچنین ارائه تدابیر حمایتی ایفا می‌کند.

در بدو ورود مددجویان به کانون اصلاح و تربیت و مدت‌زمان حضور آن‌ها در قسمت قرنطینه، پرونده شخصیت ایشان توسط کارگزاران واحد مددکاری و مشاوره، تشکیل می‌شود. مددکاران اجتماعی برای شناسایی شخصیت کودکان و نوجوانان، ناراحتی‌ها و مشکلات مادی و معنوی، خانوادگی و اجتماعی آن‌ها باید با مسئولین کانون، همکاری نمایند. مددکاران یا مربیان تربیتی باید با محکوم تازه‌وارد با نهایت خوش‌رویی و محبت، ملاقات و او را به مقررات محیط جدید آشنا ساخته و با شرح وظایف انسانی خود، اعتمادش را جلب نمایند تا بتوانند به ناراحتی‌های درونی و واقعی او پی ببرند و تدابیری مؤثر در خصوص مشکلات وی به کار گیرند. به‌عبارت‌دیگر، حضور مشاور و مددکار در کانون بیش‌ازپیش زمینه‌ساز فردی‌سازی پاسخ‌ها و برنامه‌های کانون خواهد شد. «فردی کردن روش‌های اصلاحی و تربیتی به این معنی است که مددکاران و روان‌شناسان باید روشی در پیش گیرند که قادر به اجرای تدابیر اصلاحی کانون نسبت به فرد مددجویان شوند. طبیعتاً اجرای برنامه‌های از پیش تعیین‌شده و ثابت نمی‌تواند

۱. مطابق بند الف ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی ۱۳۷۹، «مددکاری اجتماعی عبارت است از تلاش در جهت فراهم کردن زمینه هدایت معنوی-مادی مددجو و شناخت توانایی و مشکلات مددجو و سعی در بهره‌ور کردن استعدادها و چاره‌جویی نارسایی‌ها و مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی مددجو و تلاش جهت تطبیق مقتضیات اجتماعی با شرایط فردی مددجو، فراهم آوردن شرایط پذیرش اجتماعی مددجو و سازگاری اجتماعی وی».

پاسخگویی نیازهای متنوع نوجوانانی باشد که دارای شرایط فردی و خانوادگی متفاوتی می‌باشند» (دانش پایه ۱۳۹۳: ۱۴۰).

اغلب مددجویان در بدو ورود به کانون، دچار شوک شده و سکوت می‌کنند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد اولین روزهای حضور در کانون، با نوعی ناراحتی‌های روانی به صورت بُهت‌زدگی، در خود فرورفتن، انزواجویی و بی‌اشتهایی همراه است. مشاور و مددکار با بهره‌گیری از اصول حاکم بر مددکاری تلاش در برقراری رابطه و از میان برداشتن سد بی‌اعتمادی میان مددجو و کارکنان کانون دارد. بدیهی است تا مددجو صحبت نکند نمی‌توان به معضلات موجود در زندگی او پی برد.

افزون بر این، مددکار باید تدابیر لازم را برای حفظ رابطه میان مددجو و خانواده وی به کار گیرد تا حضور او در کانون، سبب ایجاد شکاف میان آن دو نشود. در صورتی که این شکاف ایجاد شده باشد، بایستی تمام تلاش خود را در برطرف نمودن آن، متمرکز نماید؛ زیرا وابستگی و احساس تعلق به خانواده، خود یک عامل مهم در جلوگیری از تکرار جرم مددجویان است. توجه به خانواده نیز همواره در صدر برنامه‌ها و تدابیر پیشگیری رشدمدار قرار دارد. همچنان با توجه به آورده‌های نظریه کنترل اجتماعی، وجود علاقه و دل‌بستگی با سایرین و به‌ویژه با والدین و خانواده از اهرم‌های کنترل بزهکاری در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. از این رو تحکیم پیوند عاطفی میان مددجویان و خانواده‌هایشان امری بسیار ضروری است. در این راستا فراهم نمودن امکان ملاقات مددجویان با خانواده، از برنامه‌های حمایتی کانون اصلاح و تربیت تلقی می‌شود. همچنان مطابق مقررات کنوانسیون حقوق کودک (بند ۳ ماده ۳۷)، مقررات قواعد پکن و مواد ۵۹ و ۶۰ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی ملاقات با والدین یا سرپرستان قانونی جز حقوق کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود. باید توجه داشت که ملاقات با افراد خانواده سبب رفع کدورت، اضطراب، ایجاد مهر و محبت می‌شود. کودکان و نوجوانانی که به کانون اعزام می‌شوند به علت ترس و واهمه‌ای که از پدر و مادر یا سرپرستان قانونی خود دارند از افشای نام و آدرس آنان خودداری می‌کنند. مددکاران اجتماعی باید پس از مصاحبه با مددجو، مراتب را در اسرع وقت به اولیا و سرپرستان قانونی او اطلاع دهند.

افزون بر این، راهنمایی و هدایت محکومین به‌منظور رعایت مقررات داخلی زندان، تشویق به کار و شرکت در کلاس‌های آموزش علمی و فنی حرفه‌ای تا مادامی که مرییان تربیتی متخصص وجود ندارند، از وظایف مددکاران اجتماعی است. آموزش هنجارهای اجتماعی و

اخلاقی به کودکان و نوجوانان بزهکار نیز به این کارگزاران واگذار شده تا مسیر جامعه‌پذیری و ارتباط سالم و مؤثر با اعضای جامعه را برای ایشان هموار سازند. همچنان که یکی از اقدامات مهم مشاوران حاضر در این واحد، آموزش مهارت کنترل خشم، به مددجویان است. افزون بر این، «روان‌شناس در حفظ آرامش روحی و حل عقده‌های روانی و تسکین آلام درونی افراد، نقش مهمی بر عهده دارند. آن‌ها با استفاده از مطالب مندرج در پرونده شخصیت علل ناسازگاری و ناراحتی‌های روانی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و برای درمان آنان اقدام لازم به عمل می‌آورند» (دانش ۱۳۵۳: ۱۰۷). چه اینکه ارتکاب جرم از سوی کودکان و نوجوانان نشانه بارز تربیت غیر صحیح این دسته بوده و از این رو «کانون اصلاح و تربیت می‌تواند با بهره‌گیری از قابلیت‌های این دسته از کارگزاران، اسباب اجتماعی شدن و بسترهای هم‌نوایی آنان با بایدها و نبایدهای اجتماعی را فراهم آورد» (Springer & Roberts 2011: 102). بدیهی است تمامی این اقدامات و برطرف ساختن مشکلات روحی و روانی آن‌ها در راستای اجرای تدابیر حمایتی پیشگیری رشد مدار و جلوگیری از مزمن شدن بزهکاری ایشان است.

همچنین، «از جمله وظایف مهم مددکاران اجتماعی کانون اصلاح و تربیت، آماده نمودن مددجویان برای بازگشت به محیط آزاد است و باید سعی نمایند برنامه سازگاری کودکان و نوجوانان را با زندگی عادی اجتماعی تنظیم و منطبق نموده و با استفاده از امکانات موجود در این زمینه اهتمام به عمل آورند» (دانش ۱۳۸۵: ۲۸۰). به این ترتیب ملاحظه می‌شود در عرصه سیاست جنایی ایران با به رسمیت شناختن حضور مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای تدابیر سالب آزادی، زمینه‌های بازسازی شخصیتی کودکان و نوجوانان بزهکار و در نتیجه بازگشت آن‌ها به زندگی سالم اجتماعی فراهم شده است.

۳-۲- برنامه‌های بهداشتی-درمانی

همزمان با حضور مددجویان در قسمت قرنطینه و به موازات اقدامات واحد مشاوره و مددکاری، اداره بهداشت و درمان کانون اصلاح و تربیت نیز برنامه‌های بهداشتی-درمانی خود را در رابطه با مددجویان اجرا می‌نماید. در ابتدا مددجویان از جهت ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی معاینه دقیق می‌شوند و در صورت تشخیص بیماری اقدامات درمانی مناسب عملی می‌شود. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اداره مزبور، اجرای تدابیر درمانی ترک اعتیاد در مواجهه با مددجویان معتاد است.

به دیگر بیان، در کنار توجه به سلامت روانی مددجویان، اقدامات مرتبط با تضمین

سلامت جسمانی آن‌ها نیز مهم است. چنین امری، هم تأمین‌کننده حقوق اولیه مددجویان بوده و هم از منظر پیشگیری رشدمدار دارای آثار است؛ زیرا نباید فراموش نمود، بخشی از عوامل خطر فردی را مشکلات زیستی و بیماری‌های جسمانی کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهد که لازمه بهبود وضعیت آن‌ها، توجه به این مسائل را ایجاب می‌کند.^۱ در واقع «پژوهشگران، عوامل پرخطر فردی را در مجموع ویژگی‌های ژنتیکی، هیجانی، جسمی و شناختی تعریف می‌کنند» (حسین‌زاده و میرزاآقایی ۱۳۹۱: ۱۷) افزون بر این، با توجه به این که «شخصیت عبارت از سازمان متكاملی مرکب از ویژگی‌های بدنی و روانی آدمی، خواه به صورت ذاتی و خواه به صورت اکتسابی است که همگی نشان‌دهنده هویت آدمی است و او را از دیگر افراد جامعه به روشنی متمایز می‌سازد» (کی‌نیا ۱۳۸۰: ۱۰۳)؛ بنابراین، مداخله در فرایند شخصیت کودکان و نوجوانان در قالب برنامه‌های رشدمدار، بررسی شرایط جسمانی آنان را نیز می‌طلبد.

به همین علت، کانون اصلاح و تربیت، مجهز به واحد بهداشت و درمان است. زیرا هر نوجوان باید از مراقبت‌های پزشکی کافی، هم در زمینه پیشگیری و هم در زمینه درمان، بهره‌مند شود؛ و مهم‌تر اینکه، همه این‌گونه مراقبت‌ها، در صورت امکان، باید از طریق تسهیلات و خدمات مناسب بهداشتی جامعه‌ای که بازداشتگاه در آن قرار دارد در دسترس نوجوانان بازداشت‌شده، قرار گیرند تا از برچسب زدن به نوجوانان جلوگیری شود و میزان عزت‌نفس و قابلیت جذب نوجوان در اجتماعات تقویت شود. یکی از برنامه‌های مفید واحد بهداشت و درمان، برگزاری کلاس‌های آموزشی رفتارهای پرخطر و همچنین آموزش بهداشت فردی به مددجویان است.

به علاوه، «هریک از کارگزاران مربوطه که به درستی معتقد باشند سلامت جسم یا ذهن نوجوان در اثر بازداشت مداوم، اعتصاب غذا یا موقعیت بازداشت، به سختی آسیب‌دیده است یا خواهد دید، باید موضوع را بلافاصله به مدیر بازداشتگاه و مقام مسئولی که مسئولیت حفاظت از رفاه نوجوانان بر عهده اوست گزارش دهد» (عباچی، همان ۱۶۳). افزون بر این، هر نوجوانی که مبتلا به بیماری ذهنی است باید در موسسه‌ای تخصصی زیر نظر گروه پزشکان مستقل مداوا شود و از طریق توافق با سازمان‌های مقتضی، باید اقداماتی نمود که تداوم مراقبت‌های بهداشتی، روانی پس از آزادی نوجوان تا هر وقت که لازم باشد تأمین شود.

۱. نگاه کنید به: مهدوی، همان ۱۳۱-۱۴۲.

نتیجه گیری

با توضیحات ارائه شده مشخص شد تمامی تدابیر و برنامه‌های اجرایی قانون اصلاح و تربیت، در جهت رشد و تعالی شخصیتی، روحی و جسمانی مددجویان سامان‌دهی شده‌اند تا از این گذر، به تربیت نوجوانانی هنجارمند و قانون‌گرا همت گماشته و مانع از ارتکاب جرم مجدد توسط آن‌ها شوند؛ بدیهی است تمامی این مواضع در بستر پیشگیری رشدمدار معنا و مفهوم می‌یابد. به بیانی دیگر می‌توان ادعا نمود قانون اصلاح و تربیت تحت تأثیر آموزه‌های پیشگیری رشدمدار، مشکلات فردی، خانوادگی و تحصیلی مددجویان را مورد هدف قرار داده و برنامه‌های حمایتی خود را در جهت برطرف نمودن آن‌ها متمرکز نموده است. همچنین قواعد بین‌المللی موجود در این حوزه نیز بر این موضوعات تأکید دارد؛ بنابراین قانون اصلاح و تربیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول در مرحله پاسخگویی به نوجوانان معارض با قانون، مجری اهداف رشدمدارانه نظام عدالت کیفری اطفال است؛ زیرا بنیان نظام مذکور که هدف اصلی و اولیه خود را حمایت و تربیت کودکان و نوجوانان معارض با قانون می‌داند، برگرفته از آموزه‌های پیشگیری رشدمدار بوده و جز در این حوزه، توجیهی برای تشکیل یک نظام دادرسی افتراقی متناسب با کودکان و نوجوانان نمی‌توان یافت.

از این رو توجه به تمامی نیازهای جسمی، روحی، روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان قانون که با استفاده از برنامه‌های مختلف و تدابیر مناسب بازپرورانه برای آنان در نظر گرفته می‌شود، اقدام مثبتی است که کاملاً در راستای تربیت و رشد و تعالی همه‌جانبه آنان بوده و به عبارت دیگر هم‌سو باهدف نظام دادرسی اطفال است که همان پیشگیری از نقض هنجارهای مجدد کودکان و نوجوانان در قالب پیشگیری رشدمدار است. در ماده ۲۱ آئین‌نامه اجرایی قانون نیز، بررسی منظم وضعیت رفتاری کودکان و نوجوانان بزهکار در مدت حضور در قانون اصلاح و تربیت که به دوباره پرورش دادن این دسته از بزهکاران در بستر نهاد مذکور به‌منظور پیش‌گیری از روی آوری دومرتبه آنان به بزهکاری تأکید دارد، به قانون اصلاح و تربیت واگذار شده است.

هرچند با توجه به این واقعیت که نگهداری در قانون اصلاح و تربیت با همه تدابیر تربیتی و حمایتی موجود در آن، یک واکنش سالب آزادی است، عدم توجه به شرایط سنی و روحی کودکان و نوجوانان و اجرای غیراصولی برنامه‌های قانون یا عدم توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی و از همه مهم‌تر بی‌اعتنایی به مفاهیم پیشگیری رشدمدار، نه تنها نتیجه‌بخش نخواهد بود، بلکه خود به یک عامل خطر قابل توجه تبدیل خواهد شد که نقض جدی‌تر قوانین و

ارتکاب جرایم جدی تر و شدیدتر کودکان و نوجوانان را به دنبال خواهد داشت. همچنان که در مقررات بین المللی نیز تلاش شده تا در اعمال محرومیت از آزادی کودکان و نوجوانان چه به عنوان اقدام تأمینی و چه به عنوان واکنشی تنبیهی مصلحت کودکان و اصل تناسب تدبیر مورد توجه قرار گیرد و اقدامات به گونه‌ای باشد که اصلاح و تربیت و بازپروری کودک را به مخاطره نیندازد. همچنان که توجه به استفاده حداقلی از این پاسخ در عرصه عدالت کیفری اطفال، خود در بستر پیشگیری رشدمدار معنا و مفهوم می‌یابد و مطالب ارائه شده به هیچ عنوان در مقام توصیه قضات به صدور احکام سالب آزادی نیست؛ بلکه صرفاً بیانگر قابلیت‌های نهاد مورد بحث در اصلاح و بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار است. لازم به تذکر است اگرچه نتایج به دست آمده توسط برخی تحقیقات صورت گرفته گویای عدم موفقیت کانون اصلاح و تربیت در پیشگیری از تکرار جرم مددجویان کانون است،^۱ اما نتایج به دست آمده به معنای شکست کلی تدابیر بازپرورانه کانون اصلاح و تربیت نبوده و قابلیت نهاد مذکور را در امر اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان، کاملاً نفی نمی‌کند. به عبارت دیگر اگر هم در عمل موفقیتی به دست نیامده است، به معنای کنار گذاردن این نظریه نیست، بلکه باید فرایند اجرا را مورد بازبینی قرار داد. اندک تأملی در آیین‌نامه اجرایی کانون و اصلاح و تربیت نیز مؤید این ادعاست که هدف اولیه سیاست گذاران جنایی ایران بازپروری و اصلاح کودکان و نوجوانان بزهکار است و بنیان اصلی تأسیس این نهاد، بر مبنای پیشگیری رشدمدار بنا شده است. افزون بر این، در کنار تحقیقات یاد شده نباید از مطالعاتی چشم پوشید که بیانگر تأثیر مثبت تدابیر کانون اصلاح و تربیت بر سامانه شخصیتی مددجویان این مرکز است.^۲

بنابراین، اگر این مؤسسات به درستی به کار گرفته شوند و برنامه‌های آموزشی آن نیز متناسب بوده و به بهترین شیوه انجام پذیرد، به دنبال بیدار نمودن حس عزت نفس و مسئولیت پذیری در آن‌ها، یکی از مهم‌ترین نهادهای عدالت کیفری اطفال در راستای شخصیت سازی و باز اجتماع پذیری کودکان و نوجوانان معارض با قانون بوده و گامی اساسی در تربیت آن‌ها خواهد برداشت. بدیهی است اصراری بر محرومیت طولانی مدت نوجوانان

۱. در این باره نگاه کنید به: دانش پایه، لایلا (۱۳۹۳)، تأثیر تربیتی کانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. هر چند نویسنده در بخش نتیجه گیری اشاره کرده که نمی‌توان ادعا نمود برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت هیچ نقشی در بازپروری نداشته است، به ویژه آنکه در پیشگیری از تکرار جرم دختران و متنه ساختن ایشان موفق عمل نموده است.

۲. در این باره نگاه کنید به: حسینی، انسیه (۱۳۹۳)، نقش عدالت کیفری اطفال در پیشگیری رشدمدار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

نیست، چه بسا که با توجه به رویکرد حداقلی در استفاده از چنین پاسخی، اسناد بین‌المللی به کوتاه بودن زمان آن نیز تأکید کرده‌اند. مهم، تربیت کودکان و نوجوانان است که باید در مدتی مناسب و مقتضی به عمل آید.

افزون براین، عدم پافشاری بر اجرای کامل احکام سالب آزادی و قابلیت تجدیدنظر در میزان حکم توسط قاضی و همچنین پیش‌بینی سازوکارهایی در قالب تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، عفو و مرخصی که زمینه خروج زود هنگام و آزادی زودتر از موعد مددجویان را از کانون اصلاح و تربیت فراهم می‌آورد، شاهد مثالی دیگر بر رویکرد رشد‌مدار حاکم بر مؤسسات مذکور است. به عبارت دیگر، همان‌طور که از عنوان این‌گونه مؤسسات در نظام حقوقی ایران برمی‌آید، هدف اولیه نگهداری مددجویان، نه تنها حبس آنان در یک‌زمان ثابت و غیرقابل انعطاف، بلکه اصلاح و تربیت آنان بوده و هر زمان که این هدف محقق شود، دلیلی بر ادامه حضور مددجو در کانون اصلاح و تربیت وجود نخواهد داشت. به دیگر بیان، آنچه موضوعیت دارد اصلاح مددجویان در جهت پیشگیری از جرایم آتی آنان و بازگشت ایشان به زندگی سالم است. بدیهی است در صورت نیل به این اهداف قابل توجه و مهم، نه تنها توجیهی برای ادامه حضور مددجو در کانون اصلاح و تربیت وجود ندارد، بلکه در غیر این صورت چنین حضوری منجر به کسب نتیجه‌ای معکوس و مخالف با اهداف عالی نظام دادرسی اطفال خواهد شد.

منابع

- حسین زاده، احمد و میرزاآقایی، حمید. (۱۳۹۱). «عوامل پرخطر و محافظت کننده در بزهدکاری نوجوانان». ماهنامه اصلاح و تربیت، (۱۳۸): ۱۶-۲۰.
- خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۹۰). «پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی». مجله پژوهش‌های مدیریت راهبردی، (۳۰ و ۳۱): ۵۵-۷۳.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۵۳). *اصول علم زندان‌ها*، بی‌نا.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۸۵). *طفل بزهدکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟* چاپ اول. تهران: نشر کیهان.
- دانش پایه، لیلا. (۱۳۹۳). تأثیر تربیتی کانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان معارض با قانون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رشادتی، جعفر. (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم در قرآن*، چاپ اول. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- صلاحی، جاوید و امامی نمینی، محمود. (۱۳۸۹). *ددرسی اطفال و نوجوانان بزهدکار*، چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- عابدی اردکانی، مصطفی. (۱۳۹۰). «شیوه‌های انس با قرآن کریم در میان مددجویان و بررسی آثار آن». ماهنامه اصلاح و تربیت، (۱۳۹): ۱۶-۲۲.
- عباچی، مریم. (۱۳۸۸). *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*. چاپ دوم. تهران: نشر مجد.
- فاضل بخششی، محمود. (۱۳۸۵). «تأثیر یک برنامه منتخب ورزشی هوازی بر کاهش اضطراب در معتادین». مجله علوم تربیتی و روانشناسی، (۵): ۳۵-۴۴.
- فرانس، آلن و هامل، راس. (۱۳۹۲). *پیشگیری رشدمدار (مجموعه مقالات)*، ترجمه باقر شاملو و مهدی مقیمی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- کاری‌یو، روبیر. (۱۳۸۱). «مداخله روان‌شناختی-اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتار مجرمانه». ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، (۳۵-۳۶): ۲۶۷-۲۹۵.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰). *مبانی جرم‌شناسی*، جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۰). *روان‌شناسی جنایی*، چاپ دوم. تهران: انتشارات رشد.

- مجیدی بیدگلی، کبرا. (۱۳۸۷). «آسیب‌های ناشی از مجازات زندان»، ماهنامه اصلاح و تربیت، (۷۴): ۲۶-۳۰.
- معظمی، شهلا. (۱۳۹۲). *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، چاپ نهم. تهران: نشر دادگستر.
- مقاره عابد، منصور. (۱۳۸۱). *دادرسی ویژه نوجوانان*، گزارش آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، تهران: یونیسف.
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌مادر)*، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). *پیشگیری عادلانه از جرم*. در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، ویرایش دوم. انتشارات سمت.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۳). *بزهکاری به عادت و پیشگیری از آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۵). «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران»، فقه و حقوق. (۱۱): ۱۴۵-۱۶۴.
- نیازپور، امیر حسن. (۱۳۹۱). «تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی». *مجله حقوقی دادگستری*، (۸۰): ۱۹۵-۲۲۰.
- وایت، راب و فیونا هینز. (۱۳۸۶). *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Fox, Lionel. W. (2010), *the English Prison and Borstal Systems*, Published by Routledge.
- Springer, David. W and Robert, Albert, R. (2011), *Juvenile system and Delinquency*, Jones and Bartlett publisher.
- Warder, John. Wilson, Reg. (2001), "the British Borstal Training System", *Journal of Criminal Law and Criminology*, by Northwestern University School of Law.